

ملا نصرالدین همیشه اشتباه می‌کرد

ملا نصرالدین هر روز در بازار گدایی می‌کرد و مردم با نیرنگی، حماقت او را دست می‌انداختند. دو سکه به او نشان می‌دادند که یکی شان طلا بود و یکی از نقره. اما ملا نصرالدین همیشه سکه ی نقره را انتخاب می‌کرد. این داستان در تمام منطقه پخش شد. هر روز گروهی زن و مرد می‌آمدند و دو سکه به او نشان می‌دادند و ملا نصرالدین همیشه سکه ی نقره را انتخاب می‌کرد. تا این که مرد مهربانی از راه رسید و از این که ملا نصرالدین را آن طور دست می‌انداختند، ناراحت شد. در گوشه ی میدان به سراغش رفت و گفت: هر وقت دو سکه به تو نشان دادند، سکه ی طلا را بردار. این طوری هم پول بیشتری گيرت می‌آید و هم دیگر دستت نمی‌اندازند. ملا نصرالدین پاسخ داد: ظاهراً حق با شماست، اما اگر سکه ی طلا را بردارم، دیگر مردم به من پول نمی‌دهند تا ثابت کنند که من احمق تر از آن‌هايم. شما نمی‌دانید تا حالا با این کلک چقدر پول گیر آورده‌ام.

شرح حکایت ۱ (دیدگاه بازاریابی استراتژیک)

ملا نصرالدین با بهره‌گیری از استراتژی ترکیبی بازاریابی، قیمت کم تر و ترویج، کسب و کار «گدایی» خود را رونق می‌بخشد. او از يك طرف هزینه ی کمتری به مردم تحمیل می‌کند و از طرف دیگر مردم را تشویق می‌کند که به او پول بدهند .

«اگر کاری که می‌کنی، هوشمندانه باشد، هیچ اشکالی ندارد که تو را احمق بدانند.»

شرح حکایت ۲ (دیدگاه سیستمی اجتماعی)

ملا نصرالدین درک درستی از باورهای اجتماعی مردم داشته است. او به خوبی می‌دانست که گداها از نظر مردم آدم های احمقی هستند. او می‌دانست که مردم، گدایی – یعنی از دست رنج دیگران نان خوردن را دوست ندارند و تحقیر می‌کنند. در واقع ملا نصرالدین با تایید باور مردم به شیوه ی خود، فرصت دریافت پول را بدست می‌آورد.

«اگر بتوانی باورهای مردم را تایید کنی، آن‌ها احتمالاً به تو کمک خواهند کرد.»

شرح حکایت ۳ (دیدگاه حکومت ماکیاولی)

ملا نصرالدین درک درستی از نادانی های مردم داشت. او به خوبی می‌دانست هنگامی که از دو سکه ی طلا و نقره ی مردم، شما نقره را بر می‌دارید آن‌ها احساس می‌کنند که طلا را به آن‌ها بخشیده‌اید! و مدتی طول خواهد کشید تا بفهمند که سکه ی طلا هم از اول مال خودشان بوده است. و این زمان به اندازه ی آگاهی و درک مردم می‌تواند کوتاه شود. هرچه مردم نا آگاه تر بمانند زمان درک این نکته که ثروت خودشان به خودشان هدیه شده طولانی تر خواهد بود. در واقع ملا نصرالدین با درک میزان جهل مردم به شیوه ی خود، فرصت دریافت پول را بدست می‌آورد..

«اگر بتوانی ضعف های مردم را بفهمی می‌توانی سر آن‌ها کلاه بگذاری ! و آن‌ها هم مدتی لذت خواهند برد!»

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.